

برداشت ها و درک و دریافت ها از ملاک های ارزیابی

**تصویر خوانی:** مقصود از خواندن، هر پدیده ای که ذهن را به درنگ و تأمل وادار کند و فکر را به کار اندازد؛ متن است. تفسیر و برداشت ما از این متن، نتیجه اندیشیدن و خوانش دقیق ماست.

بنابراین وقتی به تماشای یک فیلم نشستیم، درحقیقت هر یک از صحنه های آن متنی است که ذهن ما را به خوانش و تفسیر فرا می خواند. هر تصویر و نگاره ای، یک متن است. هنگامی که موضوع نگارش ما یک نقاشی یا یک صحنه از رویدادهای اجتماعی باشد؛ مانند یک نوشته یا داستان، نخست آن را به دقت از نظر می گذرانیم؛ سپس درباره اجزا و عناصر آن گفت و گومی کنیم و همان چیزها یی که به ذهنمان می آید؛ می نویسیم. (آموزش مهارت های نوشتاری پایه هشتم، 1393:26)

حال که مقصود از خواندن روشن شد به بررسی عناصر تصویر خوانی می پردازیم.

1- **انتخاب عنوان زیبا برای تصویر:** یکی از مهارت های مهم و اساسی در نگارش، نام گذاری مقاله، داستان یا نوشته است. انتخاب نام مناسب جز آنکه نشانه لطف و ذوق و هنرمندی نویسنده است، باعث جلب توجه خواننده نیز می شود. (کتاب کار نگارش و انشاج 2، دکتر حسن ذوالفقاری) اما در اینجا قرار است دانش آموز برای تصویر مورد نظر عنوان و نام مناسب انتخاب نماید.

بنابراین عنوان زیبا، عنوانی است که در ارتباط با تصویر باشد کوتاه باشد. اگر به صورت ترکیب و دو کلمه ای باشد؛ بهتر است. عنوانی باشد که نویسنده فکر کند هیچ کس دیگری، این عنوان را انتخاب نمی کند. واضح و روشن باشد و عنوان، کلی باشد به گونه ای که بتوان مفهوم عام تری از تصویر برداشت کرد.

2- **نگاه نو و خلاقانه به تصویر:** خلق به معنای آفریدن نو و نوآفرینی است. بنابراین باید دیدگاهی متفاوت از دیگران داشته باشیم. این نگاه نو و خلاقانه در تمام بخش های تصویر خوانی جاری و ساری است. یعنی باید در انتخاب عنوان و هم در بخش جزئیات تصویر و هم در بخش درک مناسب از عناصر و پیکره تصویر، این نگاه خلاقانه را در نظر گرفت. کسی می تواند به نگاه نو دست یابد که رها شدگی در نوشتن را تمرین کرده باشد و ذهنی آزاد و پویا داشته باشد و ذهنش گرفتار مسائل تکراری نباشد. در این جا باید متذکر شد که نسبت به تصویر، نگاه متفاوت داشته باشیم، نگاهی که هم دربرگیرنده مفهوم تصویر باشد و هم نویسنده بتواند به درون تصویر برسد و درون تصویر را درک و کشف کند. برونه و ظاهر تصویر یک بحث است که رنگ و خطوط و حجم و... با هم و در مجموع یک تصویر کلی را می سازد و مفاهیمی را منتقل می کند. اما درون تصویر بحث مهم تری است که باید به آن پرداخته شود و نویسنده بتواند به اعماق تصویر برود و مفاهیم را درک و کشف کند و با مسائل جامعه ارتباط دهد.

3- **توجه به جزئیات تصویر (رنگ، خطوط، حجم و...):** نویسنده در این بخش، هرآنچه از برونه تصویر شامل رنگ ها، خطوط و هر پدیده ای که می بیند و هرآنچه از درون تصویر (پرواز ذهن به درون تصویر و پس زمینه های تصویر) می بیند؛ شامل می شود و نویسنده همه را به صورت جملات انشایی، خلاقانه و زیبا و منسجم بنویسد. این بخش را می توان با استفاده از حواس پنجگانه و حتی ارتباط درونی با تصویر به رخ کشید.

4- **درک مناسب از عناصر و پیکره تصویر:** این ملاک، ارتباط تنگاتنگی با اجزای بالا دارد. یعنی عنوان و جزئیات تصویر و نگاه نو را نیز شامل می شود. و پیام تصویر را نیز اختصاصی دربر می گیرد. اما مقصود آن است که نویسنده از تمام اجزا و عناصر و کل تصویر، یک یا چند برداشت، پیام، درک مناسب، عمیق و گسترده را کشف کند و آن درک پیام و برداشت نیز نو و خلاقانه باشد به گونه ای که تاکنون کسی به آن دست پیدا نکرده است. وجود برخی جزئیات نمادین در تصویر، درکی متفاوت از تصویر را ارائه خواهد داد.

## بخش نگارش

«تصویرنویسی گام‌هایی دارد که می‌بایست در آموزش، بر بنیاد آن پیش رفت:

- تماشای پیکره و پهنای تصویر در یک نگاه (پیکره نگر) - فرصت‌سازی برای تفکر و خیمه زدن بر سر تصویر و شیرجه زدن در عمق و درونۀ متن - شکل‌گیری گهرمعنا و هسته‌ی موضوعی در ذهن - گسترش دامنه‌ی معنایی و شاخه‌زایی - ایجاد شاخه‌های خرد و خوشه‌سازی - انتخاب یک شاخه و نوشتن درباره‌ی آن - سازماندهی نوشته و پیوند شاخه و خوشه‌ها - بازنگری، ویرایش و پیرایش» ( صداهایی برای نوشتن آواهایی برای نوشتن، دکتر اکبری شلدره، 1394:115)

هدف ما از بخش نگارش این است که نویسندگان، ابتدا از تصویر رائه شده موضوعی را انتخاب کنند. و برای آن موضوع که در راستای ظاهر تصویر و درونۀ تصویر می‌باشد؛ خوشه‌سازی نماید و انشایی با داشتن بند مقدمه و بندهای بدنه و بند نتیجه با تعداد سطرهای در نظر گرفته، آفرینش و تولید کند.

**-انتخاب موضوع:** برای نوشتن نیاز به موضوع داریم. بنابراین در گام نخست باید موضوعی را از تصویر انتخاب کنیم. موضوع را در راستای تصویر (برونه و درونه) معنا سازی و خوشه سازی می‌نماییم. این اقدام می‌تواند در ذهن و یا در پیش نویس انجام گیرد.

5- **خوش آغازی:** « در روزگاران گذشته، نویسندگان به چگونگی آغاز نوشته بسیار توجه داشته‌اند. هر نوشته‌ای بنابر موضوع آن شروعی خاص داشت که به آن «حسن مطلع» می‌گفتند. شروع نوشته باید حتما در ارتباط با کل موضوع باشد. شما می‌توانید با کلمات و جملات آغازین نوشته خود شنونده و خواننده را متوجه موضوع مورد نظر خود سازید. در زندگی روزانه نیز هرگاه بخواهید خبر خوش یا بدی را به کسی بدهید، ضمن بیان یک مقدمه سعی می‌کنید کلمات مناسب برای ابلاغ آن خبر استفاده کنید. باید سعی کنید از نوشتن مقدمه‌هایی که با موضوع نوشته شما ارتباطی ندارند؛ پرهیز کنید

شروع کردن نوشته با شعر نیز راهی مؤثر برای پرداخت انشاست. برای مثال می‌خواهیم درباره «باران» انشایی بنویسیم. می‌توانیم انشای خود را با این شعر شروع کنیم. آخرین برگ سفرنامه باران این است: که زمین چرکین است.» ( کتاب کارنگارش و انشا ج2، دکتر حسن ذوالفقاری 1389:55 و 57)

می‌توان گفت؛ خوش آغازی یا مقدمه مناسب، به نحوه مناسب نزدیک شدن به موضوع و یا نحوه جذب و همراه نمودن مخاطب با موضوع ارتباط دارد و ذهن را با نرمشی مناسب با محتوا و بخش بدنه نوشته آشنا می‌سازد. خوش آغازی یعنی نویسنده در بند مقدمه بتواند شروع و آغازی مناسب و در ارتباط با موضوع تصویر داشته باشد. به چند شیوه می‌تواند باشد. چنان که در کتاب‌های درسی نیز آمده است؛ شروع نوشته می‌تواند با یک بیت و یا شعر و جمله حکیمانه باشد. می‌تواند با پرسش و طرح سؤال، آغاز نماید. می‌تواند با خبر داغ و تازه شروع کند. یا اینکه نویسنده از خودش متنی تولید نماید که به کلیت موضوع بپردازد و یا می‌تواند موضوع را معنا سازی و خوشه سازی نماید و آن‌ها را در بند مقدمه به طور کلی و به طور مؤثر و زیبا بیان نماید. سرانجام می‌توان گفت که شروع نوشته بستگی به توان نویسندگی فرد دارد و می‌تواند فراتر از تمام این اصول و قواعد باشد ولی باید در ارتباط با موضوع و کل نوشته و بند های بدنه باشد. در یک کلام باید گفت که مطرح کردن و معرفی کلی موضوع در بند مقدمه می‌آید.

6- **بیان مناسب اندیشه و برداشت نویسنده از موضوع:** برداشت نویسنده از موضوع می‌تواند در بند مقدمه بیاید و نیز می‌تواند جمله‌های موضوع هر بند باشد. به عبارت دیگر، آن معنا سازی‌ها و خوشه سازی‌ها را در بند بدنه به عنوان جمله موضوع بیاورد و در ادامه اندیشه و طرز تفکرش از موضوع را در مقدمه و یا جمله موضوع هر بند بنویسد. در واقع جمله موضوع هر بند بدنه از طرز تفکر و برداشت نویسنده از موضوع، مشخص کی گردد. (بر گرفته

از کتاب پرورش هنر استدلال، 134)

به بیان دیگر، در گام نخست نویسنده از تصویر یک موضوع انتخاب می کند. در گام دوم موضوع را معنا سازی و خوشه سازی می کند و آن خوشه ها را به طور کلی در بند مقدمه معرفی می نماید. گام سوم: نویسنده از موضوع برداشت خودش را می نویسد و اندیشه اش را از موضوع به طور مناسب بیان می کند و این گام سوم در بند مقدمه و نیز به گونه ای دیگر و با جمله متفاوت در جمله موضوع هر بند می آید. بیان اندیشه و نوشتن ایده در بخش مقدمه و بدنه با توجه به موضوع که ممکن است موضوع عاطفی باشد و یا وطنی و ملی باشد متناسب با موضوع از واژگان عاطفی و احساسی و یا واژگان و ترکیبات فخیم و استوار و غرور انگیز استفاده می گردد. به هر حال به توجه به موضوع برای بیان مناسب اندیشه از واژگان و ترکیبات و اصطلاحات خودش باید بهره جست.

**7- اثبات و استدلال مناسب و پشتیبانی طرز نگرش در بخش بدنه:** همان طور که در بند مقدمه موضوع مطرح شده بود؛ در بندهای بدنه، اثبات موضوع مطرح می شود و این امر بسیار مهم است. پس وقتی نویسنده ایده خودش را از موضوع در بند مقدمه معرفی می کند و سپس آن ایده ها را در بندهای بدنه به شکل جمله موضوع مطرح می نماید؛ باید به نحوی خاص، آن ایده ها را اثبات و پشتیبانی نماید. چگونه؟ نویسنده از منابع مختلف ادبی همچون شعر، مثل، حکایت، و یا شیوه های دیگر چون استدلال، مقایسه و تحلیل و تفسیر، جانشین سازی، دگرگونه دیدن، و در مجموع از راه های پرورش ذهن و شیوه های فعال سازی ذهن برای اقناع مخاطب بهره برداری کند. راه هایی دیگر که می تواند از آن ها در بند مقدمه و این بخش برای پروراندن موضوع و از زوایای متفاوت به موضوع بنگرد؛ استفاده از شش کلاه تفکر است. یعنی نویسنده با کلاه سفید (رنگ خنثی و منفعل)، (کلاه سیاه منفی نگری غیرعاطفی و همراه با دلیل و استدلال نه منفی گرایی احساسی)، (کلاه قرمز شور و هیجان و نگاه احساسی و غیر استدلالی)، (کلاه زرد بیانگر جنبه های خوش بینانه و مثبت است)، (کلاه سبز نشانه رویش و باروری است و از این کلاه و زاویه دید جهت ابراز ایده ها و راه حل های جدید و خلاقانه استفاده می شود) و (کلاه آبی، وظیفه سازمان دادن اندیشه هاست. کلاه آبی تفکرات را نظم می بخشد و برنامه ریز تفکرات اسبان است. در بند مقدمه (به صورت خوشه سازی از زوایای گوناگون) و در بند بدنه نیز می توانیم از این زوایا به موضوع بنگریم و انشای تحلیلی و انتقادی ارائه دهیم. بنابراین از هر روشی که استفاده شود همه باید ذهن مخاطب و خواننده را اقناع کند. (به زبان ساده می توان گفت که نویسنده در بند بدنه، به طور ماهرانه و هنرمندانه به پشتیبانی، حمایت، اثبات، استدلال، شرح، توضیح و تفسیر موضوع و جملات موضوع در بند تنه بپردازد).

**8- توجه به انسجام متن و رعایت نظم ذهنی نوشته:** یعنی متن نویسنده در تمام بندها انسجام داشته باشد و نظم ذهنی و نقشه راه (داشتن موضوع، بند مقدمه، بندهای بدنه و بند نتیجه) رعایت شده باشد و در پایان هر بند با آوردن جمله ای با جمله موضوع بند بعدی پیوند و ارتباط برقرار نماید. به عبارت دیگر در بندهای بدنه وحدت موضوع به صورت طبیعی رعایت شده باشد و نویسنده در سراسر نوشته از اصل موضوع درو نیفتد و فاصله نگیرد و تمام بحث ها، مثال ها، استدلال ها، آرایشگری ها و اجزای نوشته با هماهنگی کامل، پیرامون موضوع اصلی دور بزنند و تأثیری واحد بر ذهن مخاطب بگذارد.

**9- خلاقیت و بهره گیری از زبان ادبی و ترکیب های زیبا و خوش ساخت:** نوشته دانش آموز باید از عنصر ادبی و رنگ و بوی ادبی خالی نباشد. بدین گونه که واژگان و ترکیبات به کاررفته در متن، زیبا، نو، خلاقانه، خوش ساخت و خوش ترکیب باشد. به بیان دیگر خلاقیت، نگاه نو و متفاوت داشتن به موضوع و پرداخت و پردازش آن در نوشته، به چشم بخورد. نویسنده واژگان و ترکیباتی را در نوشته اش استخدام کند که گویی در هیچ به کار نرفته است. با این وجود درک درست این ملاک سه راهکار پیشنهاد می گردد. نخست استخدام زبان ادبی باید برای آسانی درک مطلب باشد. دوم اثر و نوشته را زیبا و جذاب نماید. سوم از خواننده و مخاطب رفع خستگی نماید نه آنکه خواننده را از درک مطلب باز دارد و یا خسته و ملول کند.

10- جمع بندی تأثیرگذار و تفکربرانگیز: بند پایانی نوشته نتیجه نام دارد. این بند باید با سبک و شیوه ای خاص و خلاقانه که ویژه سبک نوشتاری دانش آموز است؛ به گونه ای خلاقانه به جمع بندی بپردازد به گونه ای که در خواننده، این احساس ایجاد شود که مطلب به گونه ای خاص و شیوا به پایان رسیده است و خواننده را به تأمل واداشته است. درحقیقت نویسنده باتوجه به زمینه ای که در متن فراهم ساخته است؛ دیگر باره شکل موجز و رسا و بانحوه جمله بندی متفاوت و کاربرد واژگان واصطلاحات متمایز از متن اصلی، مهارت خود را در جمع بندی به رخ می کشد به گونه ای که بر روی مخاطب تأثیرگذار و خواننده را به تفکر وادارد و این مسأله هرچه ماهرانه تر نوشته شود؛ ذهن مخاطب بیشتر درگیر خواهد بود.

11- درست نویسی ( رعایت نشانه های نگارشی، املا صحیح واژگان، دستور زبان و خط خوش): این ملاک ها با توجه به آموخته های دانش آموز از کتاب های درسی در طول سالیان تحصیل می باشد. انتظار این است که این ملاک نیز در خدمت رسایی و روشن سازی بیان نویسنده و آسان سازی درک متن برای خواننده باشد.

12- ارتباط متن با تصویر ارائه شده: بخش نگارش باید با تصویر و موضوع برگرفته از تصویر همخوانی و ارتباط داشته باشد. خواننده و مخاطب باید بتواند پیوندی باموضوع برگرفته از تصویر ایجاد نماید. البته برخی نوشته های بخش نگارش دیرباب هستند و نیاز به تأمل بیشتری دارند و این وظیفه خواننده است که بتواند ارتباط متن و تصویر را کشف و درک نماید.

13- خوش فرجامی ( فرود مناسب): این ملاک مربوط به همان بند نتیجه است که می تواند فرود مناسب داشته باشد ولی تفکربرانگیز نباشد و یا در حالی که تفکربرانگیز و تأثیرگذار هست؛ فرود و فرجام خوشی داشته باشد و به دل بنشیند و لذت بخش و امیدوارکننده باشد و در مجموع پایان دل انگیزی داشته باشد.

### تفسیر ملاک های ارزیابی خوانش متن

خواندن کاری است نظام دار. هدف از خواندن، شناخت مناسبات درونی عناصر متن است. خواندن گونه ای تفسیر نظام دار است که کل متن را، موضوع کار خود قرار می دهد. به این اعتبار، خواندن متن در همان وهله اول با تأویل و برداشت مفهومی از متن همراه است و تأویل در حکم جست و جوی معنی دیگر است که پشت متن مورد بررسی پنهان شده باشد. خواندن با ضرورت این جست و جو همراه است. تأویل کننده متن از راه تحلیل مناسبات درونی متن به شکل دیگری از معنای کلی که در متن پنهان است؛ دست می یابد. به همین دلیل خواندن قاعده ای علمی ندارد که همواره درست باشد. هر بار خواندن به گزینش و داوری شخصی خواننده بسته است. خواننده می تواند جنبه هایی از متن پیچیده را به خواست خود برجسته کند. روشی قاعده مند و دگرگونی ناپذیر وجود ندارد تا کار خواندن را آسان کند. انواع گوناگون خواندن ناشی از گونه های متنوع گزینش خوانندگان است. (ساختار تأویل متن، بابک احمدی)

1- صدای بلند و رسا: مقصود مقدار صدا و آوایی است که بتواند بیان کننده ظرفیت های اندیشه مطرح شده در متن باشد و نه هر صدای بلند برای هرمتنی.

2- رعایت آهنگ و لحن مناسب کلام: لحن چیست: یعنی آواز خوش و موزون، نوا، کشیدن صدا، اجتماع حالت های صداهای مختلف.

لحن در اصطلاح چیست؟ نحوه خواندن و بیان کردن جملات با توجه به شرایط موجود فضای حاکم بر جمله و کل متن می باشد. باید دانست که به هنگام تلفظ کردن متن، نه تنها هر متن، بلکه هر بند و هر جمله نیز به تنهایی اعم از طنز یا جد، لحن خاص خود را می طلبد و ممکن است در هر بند انواع واقسام لحن ها به کار گرفته شود. در کنار این موارد در هر جمله، هر کلمه نیز می تواند آوای خاص خود را داشته باشد. به طور مثال در شعرها، قافیه ها و ردیف

ها در انواع مختلف، آواهای متفاوت و تلفظ های گوناگون را می طلبند و یا ممکن است تأکید شاعر یا نویسنده در هر جمله کوتاه روی کلمه ای خاص باشد که با رعایت لحن کامل و علائم نگارشی واحوال نویسنده، شکل خاصی به خود می گیرد. (مبانی خواندن در زبان فارسی اکبری شلدره ای، 1391:31)

لحن را در ادبیات می توان به عنوان طرز تلقی گوینده یا نویسنده از موضوع، تعریف کرد. لحن، رنگ یا معنی احساسی اثر ادبی است که بخشی عمده از معنای کامل آن را تشکیل می دهد. بنابراین این ملاک با بلندی صدا و هماهنگی و تعادل بین آهنگ و بلندی صدا در ارتباط است.

**3- تلفظ درست:** اولین و مهم ترین نکته ای که باید در هنگام خواندن متن در نظر بگیریم؛ درست خواندن و تلفظ درست و صحیح است. اگر متنی را درست نخوانیم؛ به لذت کشف معنی دست نمی یابیم. اما مراد در این ملاک این است که درست خواندن را خواننده و دانش آموز تمرین نماید.

**4- رعایت مکث و درنگ (ایستگاه های آوایی مانند قطع و وصل و کشش های آوایی):** مقصود آن است که خواننده در این بخش علائم نگارشی را رعایت کند. و رعایت این ملاک منجر به دریافت مناسب تر معنا و مفهوم شود و در شنونده تأثیر دوچندان ایجاد کند.

**5- بهره گیری از زبان غیر کلامی / عناصر پیرا زبانی:** مقصود استفاده از زبان بدن همچون حرکات دست و چهره و... است. البته تا حدی که طبیعی جلوه کند و ساختگی و تصنعی نشان داده نشود و این زبان بدن به درک و فهم مطلب کمک کند نه اینکه در جهت حواس پرتی بیننده باشد. و عناصر پیرا زبانی نیز همچون استفاده از لباس های مناسب، نوع نگاه، نوع پوشش، استفاده از عنصر موسیقی و هر گونه عامل دیگر که به درک و دریافت متن کمک کند.

جشنواره نوجوان خوارزمی